

## رابطه بین ادبیات و ویژگی های شخصیتی دانش آموزان

### اعظم مرادپوری

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی ، دانشگاه پیام نور مرکز ایلام

#### چکیده

سنجش شخصیت و توصیف خصایص شخصیتی از دیرباز مورد توجه روان شناسان بوده است . در عصر کنونی شناخت ویژگی های شخصیتی افراد در بسیاری موقعیت های زندگی ضرورت پیدا می کند ، معلمان و پرورشکاران برای شناخت بهتر دانش آموزان نیاز دارند که ویژگی های شخصیتی آنان را مورد سنجش قرار دهند ، تا بتوانند برنامه و روش تربیتی خود را با این ویژگی ها و نیاز های آنان هماهنگ کنند . مشاوران تحصیلی و روان شناسان بالینی برای راهنمایی و کمک به مراجعان و درمانجویان لازم است . ویژگی های شخصیتی آنان را مورد ارزیابی قرار دهند . سنجش خصایص تحصیلی ، راهنمایی شغلی و تحصیلی ، مشاوره های روانی و مانند اینها امری انسانی است . زیرا کارایی افراد در شغل ، موفقیت آنان در تمامی موقعیت های زندگی با خصایص شخصیتی او رابطه دارد . در سنجش شخصیت اساساً " سازگاری شخص مورد ارزیابی قرار می گیرد .

واژه های کلیدی: ادبیات ، ویژگی ، شخصیت ، دانش آموزان

## مقدمه

از دیدگاه روان‌شناسی، سازگاری فرایند الگوهای مختلف پاسخ‌دهی شخص به تغییرات محیطی است. طرفداران مکتب صفات شخصیت عقیده دارند که هر فرد ترکیب وحدت یافته‌ای از صفات بدنی و روانی است. آنان ضمن تأکید بر تفاوت‌های فردی در صفات شخصیت به طبقه‌بندی افراد بر اساس برخی از صفات مشترک معتقدند. یکی از مسائل مهم در مطالعه و سنجش شخصیت آن است که باید مفهوم شخصیت و خصایص شخصیتی که مورد سنجش قرار می‌گیرند به روشنی تعریف شود. بنابه یافته‌های متعدد در رابطه با اثربخشی چید و جهی ادبیات امروزه به این مهم به عنوان یک ضرورت در زندگی نگریده می‌شود. معمولاً بحث ادبیات و ویژگی‌های شخصیتی رابطه‌ی تنگاتنگی دارند به این معنی که جهت توانمندتر شدن در زندگی و علی‌الخصوص در مواجهه با موقعیت‌های فشار آور لازم است که به ادبیات کردن روی آوریم. همانطور که می‌دانید منظور از اوقات فراغت زمان‌های آزاد ماست. زمان‌هایی که می‌توانیم. آنها برای خودمان صرف کنیم. و چه بهتر که با اوقات فراغت و ادبیات کردن یک مولفه بهداشت روانی مفید است و گذراندن بخشی از اوقات فراغت طی فعالیت‌های ادبیات کردن یک مولفه بهداشت روانی مفید است و گذراندن بخشی از اوقات فراغت طی فعالیت‌های ادبیات می‌مطمناً موجب ارتقاء بهداشت روانی و جسمانی می‌گردد. (کریمی، ۱۳۸۰، فتح‌اله زاده خوبی، ۱۳۸۰)

## بیان مسئله:

ادبیات جزو پدیده‌هایی است که در جامعه‌ی مدرن تأثیر گذاری غالبی دارد. هیچ جنبه‌ی دیگری از مسائل اجتماعی تا این مورد توجه رسانه‌ها قرار ندارند زمانی که امواج تنش به ضرر حمله می‌آورد روی آوردن به ادبیات می‌تواند راهی برای آرامش عصبی باشد. پیاده روی دویدن، شنا کردن و سایر ادبیات‌ها ذهن را از مسائل شش زبازی دارد و مشغول به ادبیات می‌سازد. کسانی که اهل ادبیات هستند. غالباً روحیه‌ی قوی پیدا می‌کنند و در مقابل ناملازمات کمتر دچار ضعف و فتور روحی و جسمی می‌گردند. البته شواهد و دلایل مستندی در دست نیست که ادبیات را مستقیماً راه درمان فشارهای عصبی قلمداد کرده باشند ولی این نکته مسلم است که فرد در زمان ادبیات تنش را فراموش می‌کند و همین فراغت خاطر از عامل تنش را باعث استراحت و تجدید قوا برای مقابله با تنش و ایجاد مقاومت در برابر آن می‌شود. فعالیت‌های بدنی و فیزیکی نیز همانند ادبیات می‌توانند خستگی جسمانی و فراغت روانی ایجاد کنند و موجب تقلیل سطح تنش گردند. به عقیده‌ی یکی از صاحب‌نظران کار کردن و سخت کوشیدن با توجه به توان فرد می‌تواند یکی از طرف مؤثر برای مقابله با تنش باشند. انسان باید خود را در یابد و بر آن اساس به تلاش بپردازد به طور خلاصه ادبیات و سرگرم نشدن به فعالیت‌های بدنی به ذهن فرصت استراحت و آرامش می‌دهد و فرد را در مقابله با تنش مجهز و ترانمندی سازد (در گاهی، ۱۳۸۲). حال مسئله این است که چرا برخی دانشجویان و دانش‌آموزان اقدام به ادبیات می‌کنند. در واقع سوال اصلی این پژوهش آن است که آیا این افراد از ویژگی‌های شخصیتی خاص برخوردارند؟ پژوهش حاضر به منظور روشن نمودن این موضوع انجام می‌شود.

## ضرورت و اهمیت موضوع:

بررسی رابطه بین ادبیات و ویژگی‌های شخصیتی از نظر کاربردی و بنیادی حائز اهمیت بسیاری می‌باشد. لذا ضروری است که متخصصان و روان‌شناسان تربیتی، اجتماعی و آسیب‌شناسان روانی توجه و الطاف بیشتری نسبت به این موضوع داشته باشند. از آنجایی که امروزه به ادبیات به عنوان یک ضرورت در زندگی نگریده می‌شود لزوم تحقیقی همه‌جانبه در خصوص نقش این پدیده مهم امری بدهی است. زیرا فراگیر نشدن این پدیده که از عوامل مهم پیشرفت و ارتقاء جوامع محسوب می‌شود در تحول روانی افراد نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند می‌دانیم که اگر روح ادبیات و ادبیات کاری در درون کسی استوار گردد و دیگر حاضر به کار غیر شرافتمندانه نخواهد شد و داشتن چنین ویژگی بزرگی موجبات تحول روانی افراد رادزندگی فعلی آینده به ارمغان می‌آورد. ادبیات بنابه تعریف درموردی به کار می‌رود که فعالیت بدنی حالت رقابتی داشته باشد یا نیازمند مهارت و تلاش بیشتر از حد معمول باشد. یا بر اساس قوانین و مقرراتی تثبیت شده و رسمی انجام پذیر با این تعریف واضح است که بعضی فعالیت‌های فیزیکی را می‌توان به عنوان ادبیات در نظر گرفت و بقیه دیگر تحت شرایطی

در این تقسیم بندی نخواهند گنجید. افراد ممکن است عمدتاً با هدف کسب مزایای مرتبط با سلامتی (مانند تناسب و آمادگی جسمانی و روانی. کاهش تنش و طول عمر بیشتر) به فعالیت های فیزیکی بسیاری قوی و پر از انرژی روی آورند، این نوع فعالیت های توانمند درمان کننده ی کاستی های بدن آنها از آن جهات باشد. (فتح ا... زاده خویی ۱۳۸۰)

**تعریف متغیر ها :**

### شخصیت

**تعریف مفهومی :** مجموعه یا کل خصوصیات و صفات هر شخص اعم از بدنی، ذهنی، عاطفی اخلاقی که موروثی یا اکتسابی هستند و او را به طور آشکار از دیگران مشخص می نماید (قلی زاده، ۱۳۷۶).

**تعریف عملیاتی :** شخصیت عبارتست از نمره ای که شخص در پرسشنامه چند وجهی شخصیتی مینه سو تا در این پژوهش به دست می آورد.

**ادبیات :** برای نشان دادن تمام ادبیات های تفریحی و سرگرمی و رقابتی، تمرین ها و فعالیت های بدن لازم برای تناسب و آمادگی جسمانی و روانی به کار می رود (فتح اله زاده خویی، ۱۳۸۰) خویش انجام می دهد.

**ادبیات کار :** فردی است که حداقل در یک رشته ادبیات ی فعال بوده و فعالیت های لازم را برای تناسب و آمادگی جسمانی و روانی خویش انجام می دهند.

**غیر ادبیات کار :** فردی است که حتی در یک رشته ادبیات ی ساده فعال نبوده و فعالیت و تحرک لازم را در خود نشان نمی دهد و فاقد تناسب و آمادگی جسمانی و روانی لازم است.

در روانشناسی منظور از شخصیت مجموعه و یا کل خصوصیات و صفات هر شخص می باشد. تمام خصایص بدنی، ذهنی، عاطفی، اخلاقی. اعم از موردتی و اکتسابی هستند که او را به طور آشکار از دیگران مشخص می نمایند. (قلی زاده، ۱۳۷۶). در تعریفی دیگر که از شخصیت بیان شده است شخصیت را به الگوهای رفتاری و شیوه های تفکر که سازگاری فرد با محیط را تعیین می کند مطرح کرده اند، تاریخچه زندگی یک فرد در واقع مدت پیش از تولد او آغاز می شود. معمولاً رشد شخصیت را پس از تولد در چند مورد، مطالعه قرار می دهند که عبارتند از دوره ی شیر خواری، دوره ی پیش دبستانی، دوره ی کودکی میانه و دوران بلوغ. شخصیت یک فرد بی همتا است و در عین بعضی شباهت ها، هیچ دو شخصیتی یکسان و همسان وجود ندارد. (میلانی فر، ۱۳۸۰)

اگر چه افراد در شرایط و محیط های گوناگون در ظاهر رفتار مهشاد و مختلفی دارند ولی در طول زمان، (مثلاً چندین دهه) رفتار واکنش و همچنین شیوه تفکر آنها دارای یک ثبات نسبی دائمی است. با توجه کردن و مطالعه، رفتار و نوع تفکر اشخاص می توان سبک رفتاری و تفکر ی افراد را به احتمال زیاد پیش بینی کرد. قابلیت پیش بینی رفتار با ثبات رفتار { رابطه ی متقابل دارد. به طور کلی می توان شخصیت را چنین تعریف کرد؟ مجموعه ای از رفتار و شیوه های تفکر اشخاص در زندگی روزمره که با ویژگی های بی همتا بودن، ثبات (پایداری) و قابلیت پیش بینی مشخص می شود. (کریمی، ۱۳۸۰).

### شخصیت چیست؟

یکی از مسائل مهم در مطالعه و سنجش شخصیت آن است که باید مفهوم شخصیت و خصایص شخصیتی که مورد سنجش قرار می گیرد در تعریف شخصیت باید چند نکته را در نظر گرفت، نخست هر شخصیتی یگانه و بی همتاست زیرا هیچ فرد از نظر خلق، علایق، رفتار و دیگر ویژگی های شخصیتی کاملاً مشابه نیستند. دوم افراد در موقعیت ها به شیوه ی یکسان رفتار نمی کنند رفتار شخصی ممکن است از موقعیتی به موقعیتی دیگر متفاوت باشد. سوم اگر چه هر فرد یگانه و بی همتا است و رفتارش در همه موقعیت ها کاملاً یکسان نیست، در رفتار آدمی وجه اشتراک قابل ملاحظه ای وجود دارد و به عبارت دیگر در جزئیات رفتار آدمی تفاوت هایی دیده می شود. بیشتر مردم الگوهای رفتاری نسبتاً ثابتی دارند توصیف سنخ های

شخصیتی ممکن است به ما امکان دهد که افراد را به گونه ای طبقه بندی کنیم که برخی از الگوهای مهم رفتاری آنان به دقت قابل توصیف باشد (شریفی، ۱۳۸۲)

به طور نظری برای توصیف رفتار و خصایص شخصیتی دودیدگاه متفاوت وجود دارد، یکی دیدگاه صفت گرایی محض و دیگری دیدگاه موقعیت گرایی محض. اولی محیط را به طور کلی نادیده می‌کند و به شخص تاکید می‌ورزد. در حالی که دومی شخص را نادیده می‌گیرد و محیط را مورد تاکید قرار می‌دهد باید دانست که هیچ یک از این دو دیدگاه توصیفی دقیق و کاملاً درست از شخصیت به دست نمی‌دهد. بر عکس در یک جامعه که هر دو دیدگاه را مد نظر دارد، شخصیت چنین تعریف شده است، «شخصیت شامل مجموعه ای از خصایص یک شخص یا اشخاص است که الگوی پایدار پاسخ به موقعیت‌ها را تعیین می‌کند» (مورفی و دیویدشافر ۱۹۹۱).

«شخصیت مجموعه ی تفکیک ناپذیر آن خصایص بدنی و نفسانی است که شناخت دوستان نزدیک شخص یا به عبارت دیگر آن نقاب یا ماسکی است که فرد برای سازش با محیط، که در حقیقت نوعی بازیگری در صحنه ی زندگی است به چهره ی خود نهاده است.» (ایزدی ۱۳۵۰).

شخصیت عبارت است از مجموعه ویژگی های جسمی، روانی و رفتاری که هر فرد را از افراد دیگر متمایز می‌کند. نظریه ی مازلو درباره ی انگیزش‌ها در واقع هسته نظریه ی شخصیت او را تشکیل می‌دهد. نظر او درباره ی انگیزش کاملاً روشن و قابل فهم است. به گفته ی او هر فردی دارای تعدادی نیازهای ذاتی هست که هدایت کننده و فعال کننده رفتارهای او است. این نیازهای غریزی هستند، یعنی ما با آنها به دنیا می‌آییم، اما رفتارهایی که ما برای ارضای این نیازها به کار می‌بریم ذاتی نیستند، بلکه آموختنی بوده و بنابراین، افراد مختلف در نحوه ی ارضای انگیزه‌ها ممکن است تفاوت‌های زیادی پیدا کنند. نیازهای ذکر شده از سوی مازلو تشکیل سلسله مراتبی می‌دهند که از لحاظ اهمیت به ترتیب قرار می‌گیرند، در سلسله مراتب نیازهایی که در پله‌های پایین‌ترند انگیزش هستند باید پیش از نیازهایی که در پله‌های بالا تر نردبان قرار دارند، ارضا شوند. در واقع نیازهای رده ی بالاتر ظاهر نمی‌شوند آنکه نیازهای رده‌های پایین تر حداقل تا حدودی اضافه شده باشند که از پایین به بالا شامل:

(۱) نیازهای فیزیولوژیکی، غذا، آب، جنس مخالف (۲) نیازهای ایمنی: امنیت، نظم و ثبات. (۳) نیازهای عشق و تعلق (۴) نیازهای حرمت: از سوی خود و دیگران، (۵) نیاز به خود شکوفایی. علاوه بر سلسله مراتب نیازهای ذکر شده، مازلو به وجود مجموعه دیگری از نیازها اعتقاد دارد که نیاز به دانستن و فهمیدن معروفند. او کنجکاوی و نیاز به داشتن را سائق‌های ذاتی می‌داند و وی در مورد انگیزش افراد خود شکوفا نظریه ای وضع کرده به نام فرا انگیزش (گاهی به آن انگیزش B یا شدن گفته است)

### عوامل به وجود آورنده ی شخصیت

چون شخصیت را مجموعه ویژگی های جسمی، روانی و رفتاری در افراد توصیف کردیم بنابراین عواملی که به وجود آورنده ی این ویژگیها به شمار می‌آیند، عوامل به وجود آورنده ی شخصیت نیز هستند. بخش اول این ویژگی‌ها، یعنی ویژگی های جسمی، ساخته وراثت و بخش دیگر آن زاییده عوامل اجتماعی یا محیط است تعیین اینکه کدامیک از این دو عامل نقش مهمتری در ایجاد شخصیت دارند، کار غیر ممکن است. اما بدیهی است که شخصیت هر فرد حاصل تعامل و تاثیر متقابل هردو عامل است بدین معنی که از ازیک سو، عوامل محیطی، در چهارچوب امکانات و محدودیت های فیزیولوژیکی و ساختار توارثی، تاثیر می‌کنند، و از سوی دیگر تواناییهای بالقوه، محصول توارث اند هنگامی می‌توانند شکوفا شوند واز قوه به فعل در آیند که محیط مناسبی برای شکوفا شدن داشته باشند (کریمی ۱۳۷۹).

وراثت (ژنتیک و انتقال صفات): از لحظه ای که یک اسپر ماتوزئید یا سلول جنسی نر با یک اووم، یعنی سلول جنسی ماده در جریان عمل لقاح ترکیب می‌شود، نخستین سنگ بنای شخصیت فرد گذاشته می‌شود. در جریان این ترکیب رشته‌های باریکی از هردو سلول در کنار هم قرار می‌گیرند به نام کروموزوم که خود این رشته‌ها حاصل ذرات ریزی هستند به نام ژن و این ژنها ناقلان اصلی صفات ارثی والدین به فرزندان هستند. هر سلول معمولی بدن انسان دارای ۲۳ جفت

کروموزوم است که این تعداد در سلول جنسی نر ۲۳ عدد و در سلول جنسی ماده نیز ۲۳ عدد است و بدین ترتیب وقتی سلول جنسی نر با سلول جنسی ماده ترکیب می شود، هر یک ۲۳ کروموزوم با خود وارد ترکیب می کند و در نتیجه سلول ترکیب شده، در واقع نخستین سلول یک انسان کامل است، دارای ۲۳ جفت کروموزوم می شود. همچنین چون هریک سلول جنسی نر و ماده با خود ۲۳ کروموزوم حمل می کنند، یعنی سلول جنسی پدر ۲۳ کروموزوم و سلول جنسی مادر ۲۳ کروموزوم، سلول ترکیب شده یعنی سلول فرزند، نیمی از خصوصیات خود را از پدر و نیم دیگر را از مادر می گیرد. نکته ی دیگر در فرآیند ترکیب اسپرم و اووم آن است که ۲۲ جفت کروموزوم در زنان و ۲۲ جفت کروموزوم در مردان، هر جفت شبیه به هم بوده و در واقع مشابه به کروموزوم های سلول جنسی پدر و مادر دوه به دو با هم جفت می شوند، اما جفت ۲۳ در زنان شبیه به هم بوده و بسیار درشت است و به نام XX خوانده می شود. در حالی که جفت ۲۳ در سلول مردان غیر مشابه اند به همین جهت یکی را X و دیگری را Y و زوج آن به صورت XY می نامند. زوج ۲۳ تعیین کننده جنسیت فرد است. بدین ترتیب همانگونه که اشاره شد، در سلول های جنسی تعداد کروموزوم ها به ۲۳ عدد کاهش پیدا می کنند. بنابراین سلول های مولد سلول جنسی مرد نیز به دو سلول سلول جنسی تقسیم می شوند اما یکی دارای کروموزوم X است و دیگری دارای کروموزوم Y. حال در جریان ترکیب سلول جنسی نر و ماده چنانچه سلول جنسی دارای کروموزوم X مرد با سلول جنسی زن که حاوی کروموزوم X است ترکیب شود، سلول حاصله از نظر کروموزومی به صورت XX بوده و فرزند دختر خواهد بود اما اگر سلول جنسی نر که حاوی کروموزوم Y است با سلول جنسی ماده که دارای کروموزوم X است ترکیب شود سلول حاصله از نظر کروموزومی به صورت XY بوده و فرزند پسر خواهد بود. بدین ترتیب لاقط نخستین جنبه شخصیت فرد که سبب تمایز یک فرد از افراد دیگری می شود، یعنی جنسیت او زائیده ترکیب خاص کروموزومی اوست که از والدین خود به ارث برده است طبیعی است که ژنهای حاصل صفات ارثی، واجد هر خصوصیتی باشند، صاحب زن ها نیز آن خصوصیات را دارا خواهد بود. به عنوان مثال، سلامت ژنها یا بیمار بودن آنها می تواند شخص را سالم کند و بدین ترتیب حتی می توان سلامت شخصیت یا ناپهنجار بودن آنها به میزان زیادی تابع وضعیت ژنتیکی فرد دانست. ژنهای معیوب و ناقل بیماری یا کروموزوم ها دارای اختلال به احتمال قوی شخصیت های ناپهنجار و معیوب به بار خواهند آورد به عنوان مثال: وقتی بر اثر عامل زیاد بودن سن مادر در جفت ۲۱ کروموزوم ها به جای یک جفت ۳ کروموزوم به وجود آید، اختلالی در ساختار کروموزومی خود به وجود خواهد آمد که به سندرم داون یا منگولیسیم معروف است. فرد دارای اختلال، دچار عقب ماندگی شدید ذهنی است. در نتیجه از نظر شخصیتی حالت ناپهنجار و استثنایی دارد (کریمی ۱۳۷۹).

#### نتیجه گیری کلی:

به طور کلی می توان نتیجه گرفت که ویژگی های شخصیتی هر دو گروه تقریباً مشابه بوده و تفاوت چشم گیری مشاهده نشده است و میانگین کل در دو گروه تقریباً مشابه است

#### محدودیت های تحقیق:

- محدودیت زمانی در جهت انجام پژوهش با توجه به اینکه باید در فرصتی خاص پژوهش انجام می گرفت.
- عدم همکاری مناسب دانشجویان در جهت پاسخ دادن به سؤالات.

#### پیشنهادات:

- ایجاد کردن جو صمیمی و خوشایند در کلاسهای درسی
- برگزاری کلاس های ویژه بین مسئولین دانشگاه و دانشجویان به منظور آگاهی از مسائل و مشکلات دانشجویان در زمینه ادبیات.
- با توجه به نوع سیستم دانشگاه پیام نور و حجم زیاد کتاب ها و افزایش ساعات دروس مربوطه.
- ایجاد تحقیقات بیشتر با جامعه آماری و حجم نمونه بیشتر به گونه ای که نتایج قابل تعمیم باشد.

## منابع

۱. خادم مسجدی، حمید. (۱۳۸۹). نقش استفاده از درس ادبیات فارسی (ICT) در بهبود فرآیند یاددهی آموزشی در دانش آموزان مقطع دبیرستان دانش آموزان دبیرستان های شهرستان کرج. استاد راهنما: دکتر حسن رستگار پور. استاد مشاور: دکتر پوران دخت فاضلیان. پایان نامه کارشناسی ارشد درس ادبیات فارسی. دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
۲. گنجیه مسلم. (۱۳۸۹). امکان سنجی استقرار سیستم آموزش الکترونیکی و زیرساخت های توسعه آن در مراکز تربیت معلم شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی. استاد راهنما: دکتر محمدرضا بهرنگی. استاد مشاور: دکتر عبدالرحیم نوه ابرهیم. دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
۳. معاذی، مریم. (۱۳۸۸). تاثیر نرم افزارهای آموزشی بر تفکر انتقادی و رابطه آن با سبک های شناختی دانش آموزان دوره راهنمایی. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی. استاد راهنما: دکتر حسن رستگار پور. استاد مشاور: دکتر مهرناز شهرآرای. دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.